

## واکاوی رویکرد آیت الله العظمی بهجت به سیاست (از نظر تا عمل)

عباس تقوائی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۵

**چکیده:** آیت الله العظمی بهجت یکی از بزرگترین فقهای شیعه در سده اخیر بوده است که بررسی مجموعه نگاه ایشان به حوزه سیاست با توجه به درک با واسطه و مستقیم دو انقلاب مهم معاصر در تاریخ کشور ما یعنی انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی ایران، از اهمیت به سزایی برخوردار می‌باشد. البته به لحاظ نوع مشرب کلی‌ای که ایشان در سرتاسر زندگی و شئون مختلف اجتماعی و از جمله در سیاست داشته، طبعاً ابهاماتی در خصوص دیدگاه‌هایشان نسبت به مسائل اساسی مورد توجه در حوزه فقه سیاسی شیعه وجود دارد؛ لذا در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و گزارش‌های رسیده از نزدیکان، آشنایان و شاگردانشان در خصوص مواضع عملی و دیدگاه‌های سیاسی ایشان، سعی نموده‌ایم که تا حد امکان به آراء و نظریات ایشان در حوزه سیاست و مسائل مهم مورد توجه شیعیان در این حوزه یعنی «حکومت اسلامی» و «ولایت فقیه» پرداخته تا بتوانیم تا حدودی به منظومه اندیشه سیاسی ایشان دست پیدا کنیم مخصوصاً (چنانکه در این مقاله خواهیم دید) با توجه به اینکه ایشان قابل به عدم تعطیلی حکومت و دین در عصر غیبت و همچنین لزوم اهتمام فقهاء به امر اجرای شریعت در این عصر هستند.

**واژگان اصلی:** آیت الله العظمی بهجت، اندیشه سیاسی، مواضع سیاسی، ولایت فقیه، عصر غیبت.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران.

## مقدمه

بررسی اندیشه سیاسی آیت الله العظمی بهجت از دو جهت حائز اهمیت ویژه‌ای هست: اول آنکه ممشای کلی ایشان در طول زندگانی مبنی بر دوری از هرگونه جلب توجه (که محدود به حوزه سیاست هم نبوده)، ابهاماتی درخصوص توجه وی به مسائل سیاسی به وجود آورده تا آن حد که برخی بپندارند نگاه سلبی به سیاست داشته و یا اینکه اصلاً موضع صریح و مشخصی در مورد مهم‌ترین مسئله سیاسی شیعه یعنی طرح حکومت اسلامی و اندیشه ولایت فقیه ندارد؛ دوم اینکه ایشان متعلق به نسلی از فقیهان شیعه است که به لحاظ تاریخی میان دو انقلاب بزرگ دوران معاصر ما پیوند برقرار می‌کند بدین لحاظ که برخی از مهم‌ترین اساتیدشان در متن انقلاب مشروطه قرار داشته‌اند و این زمینه آشنایی غیرمستقیم ایشان را با این حادثه مهم سیاسی در تاریخ معاصر ما را فراهم ساخته است و علاوه بر این خود نیز از یک طرف نتایج مشروطه و از طرف دیگر انقلاب کبیر اسلامی را به طور مستقیم درک نموده است.

## ۲- چهارچوب نظری

منظومه سیاسی یک متفکر را می‌توان با بررسی اندیشه‌های سیاسی وی که در قالب آثار مکتوب او و هم چنین مواضع سیاسی منسجم وی (که البته این خود نیز برخاسته از مبانی فکری اوست)، مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. این همبستگی میان آراء و مواضع در آثار متفکرانی که به بررسی اندیشه‌های سیاسی متفکران پرداخته‌اند، قابل مشاهده است. امروزه اصطلاح «اندیشه سیاسی» را در موارد زیادی نظیر «افکار، نظریه‌ها و ارزش‌های محرک خط و مشی و رفتار سیاسی، نظریه سیاسی، فلسفه سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی، اقتصاد و علوم سیاسی» بکار گرفته می‌شود (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۷۵: ۳۰۴)؛ لذا واژه «اندیشه سیاسی» همان گونه که گاه در مفهومی عام برای اشاره به فلسفه سیاسی یا نظریه سیاسی بکار گرفته می‌شود، گاه نیز «برای مواضع سیاسی بکار رفته است» و در یک معانی گسترده و با اندکی تسامح می‌توان برای اندیشه طیفی قائل شد «که در یک سر آن نظام‌مندی و در سر دیگر آن تنها موضوعی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم متکی بر تأملات نظری است» قرار دارد (قادری، ۱۳۸۶: ۴-۳).

در این نوشتار بر آن شدیم که، پس از بررسی سابقه بحث و مقدماتی نظیر مختصری از زندگی، استادان، آثار و شاگردان ایشان، وارد مباحث اصلی شده ضمن تلفیق نمونه‌هایی از مواضع و

سیره عملی وی در عرصه سیاست با اندیشه‌های سیاسی و دیدگاه‌های ایشان در خصوص ضرورت حکومت اسلامی و ولایت فقیه ( که توسط شاگردان و آشنایان نزدیک بیان گردیده )، منظومه فکری‌شان در حوزه سیاست به طور عام نسبت به « ولایت فقیه » و نسبت به « حکومت اسلامی در عصر غیبت » را به طور خاص بازسازی نماییم و چنان که مشاهده خواهیم کرد آیت الله بهجت علیرغم باقی نماندن مباحث ایشان در « باب ولایت فقیه » دیدگاه‌های مشخصی در خصوص لزوم حکومت اسلامی در عصر غیبت دارند که می‌توان از لابلای سخنان به جای مانده از ایشان و اطلاعات به دست آمده از شاگردان و نزدیکان ایشان بدان دست یافت.

## ۲-۲- سابقه تاریخی بحث

با توجه به تعداد اندک منابع موجود در خصوص موضوع مورد بحث (که این خود تا حدود زیادی چنان که می‌آید، نشأت گرفته از منش زاهدانه و خوی گریز از شهرت ایشان بوده است)، کارهای تحقیقی چندانی در این خصوص نیز در کتب و مقالات یافت نشد. با این وجود در خصوص پیشینه تحقیق می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

۱- مقاله آقای دکتر عبدالوهاب فراتی تحت عنوان « آیت الله بهجت و جریان زندگی سیاسی در عصر غیبت » (۱۳۸۸) به بررسی رویکرد ایشان در « نگاه به مشروطه » و « حکومت اسلامی در عصر غیبت » پرداخته است. بخش عمده مقاله این محقق محترم مربوط به مشروطه و دیدگاه‌های موجود در میان علمای شیعه و مواضع آنان نسبت به این واقعه مهم سیاسی در تاریخ معاصر ما می‌باشد؛

۲- با توجه به قلت منابعی که به طور مستقیم ما را به دیدگاه‌های آیت الله العظمی بهجت می‌رساند، مجموعه‌ای از مصاحبه‌های تنظیم شده توسط آقای رضا باقی زاده گیلانی با شاگردان نزدیک آیت الله العظمی بهجت ( نظیر محمد هادی فقهی، هادی قدس، علی اکبر مسعودی خمینی، محمد تقی مصباح یزدی، مهدی هادوی تهرانی و دیگران ) که در کتابی تحت عنوان « بهجت عارفان در حدیث دیگران » به چاپ رسیده است (۱۳۷۹)، به طور غیرمستقیم به نظرات، دیدگاه‌ها و مواضع آیت الله العظمی بهجت در موضوعات و مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی، مذهبی و فرهنگی اشاره شده که علیرغم پراکندگی و عدم انسجام و ساختار روایت گونه، منبع خوبی برای انجام مطالعات پژوهشی در موضوع مورد بحث ما می‌باشد.

۳- سخنان آیت الله بهجت در کتاب سه جلدی آقای محمد حسین رخشاد تحت عنوان « در محضر حضرت آیت الله العظمی بهجت ». (۱۳۹۵) جمع آوری شده است و ما در این تحقیق از بخشی از این سخنان که مرتبط با بحث ماست بهره برده‌ایم. سایت « مرکز تنظیم و نشر آثار آیت الله العظمی بهجت » نیز حاوی اطلاعات خوبی از ایشان و سخنان ایشان است و ما نیز بخشی از این سخنان را از این سایت نقل کرده‌ایم.

## ۲-۳- مروری بر زندگینامه

محمد تقی بهجت فومنی در شب جمعه ۲۵ شوال سال ۱۳۳۴ هجری قمری ( دوم شهریور ۱۲۹۵ هجری شمسی ) در شهر فومن از توابع استان گیلان چشم به جهان گشود. پدر ایشان کربلایی محمود مردی صالح، خوش نام و مورد اعتماد مردم بود که علاوه بر اشتغال روزمره به کسب و کار، به ثبت و نگاه داری اسناد و قباله‌های محلی می‌پرداخت. محمد تقی مادرش را در ۱۶ ماهگی از دست داد. وی تحصیلات ابتدایی را در مکتب‌خانه فومن گذراند و در حوزه علمیه همان شهر به تحصیل مقدمات معارف دینی در کنار متون فارسی بوستان، گلستان و کلیله و دمنه پرداخت. در جمادی الثانی سال ۱۳۴۸ هجری قمری (۱۳۰۸ ه. ش) در اواخر ۱۳ سالگی به عراق رفت و در کربلای معلی مشغول به تحصیل گردید. ابتدا ادبیات عرب را تکمیل نموده و ضمن آن به تحصیل فقه و اصول پرداخت. در سال سوم سکونت در کربلا به کسوت روحانیت درآمد. چهار سال در کربلا به تحصیل علم و تهذیب نفس پرداخت و در سال ۱۳۵۲ هجری قمری (۱۳۱۲ ه. ش) پس از گذراندن بخشی از دروس سطح راهی نجف شد. ابتدا بخش‌های پایانی سطوح عالی حوزوی را پشت سر گذاشت و سپس به تحصیل دروس خارج فقه و اصول پرداخت و ضمن آن به فلسفه و علوم عقلی نیز اهتمام ورزید. در این سال‌ها کم‌کم تدریس را نیز آغاز کرد و به فعالیت‌های علمی پرداخت. سرانجام پس از ۱۶ سال تحصیل در عتبات و کسب درجه اجتهاد « برای رفع کسالت‌های ناشی از ریاضت و سخت‌گیری بر نفس » و به توصیه پزشکان در کمتر از ۳۰ سالگی در جمادی الثانی ۱۳۶۴ هجری قمری (۱۳۲۴ ه. ش) به وطن و زادگاه خویش بازگشت.

پس از بازگشت به فومن، ازدواج و سپس مجدداً عزم سفر به عتبات را نمود و برای تهیه مقدمات این سفر در شوال ۱۳۶۴ هجری قمری (۱۳۲۴ ه. ش) راهی تهران و قم شد. در مدت توقف در قم و آشنایی با حوزه علمیه آن شهر با خبر فوت برخی از اساتیدش از سفر به نجف منصرف

گردید. در ۲۸ صفر سال ۱۳۶۵ هجری قمری (۱۳۲۵ ه. ش) پدر ایشان نیز به دیار باقی شتافت. ایشان در ابتدای اقامتشان در قم علیرغم داشتن درجه اجتهاد و جهت تکریم اساتید حوزه قم در جلسه درس خارج آن‌ها حضور می‌یافت و علاوه بر فقه و اصول به تحصیل در فلسفه نیز استمرار بخشید. پس از گذشت یک سال خود نیز، همانند زمان طلبگی در نجف، به تدریس سطوح عالی نیز مشغول شد و تا پایان عمر شریف به تدریس ادامه داد. علیرغم آن‌که پس از فوت آیت‌الله العظمی اراکی (آذر ۱۳۸۳ ه. ش)، جامعه مدرسین حوزه علمیه قصد معرفی ایشان به عنوان مرجع تقلید را داشتند، پیام داد که «راضی نیستم اسمی از بنده برده شود». با این وجود مرجعیت وی اعلام و مورد اقبال عمومی قرار گرفت و با استقبال مردم راضی گردید که فتاوایش بدون ذکر نام به چاپ برسد و تنها از چاپ ششم به بعد رساله با نام ایشان چاپ شد. سرانجام ایشان در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۸ ه. ش به علت ایست قلبی درگذشت و در جوار بارگاه کریمه اهل بیت حضرت معصومه (س) دفن گردید (بابایی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۷-۱۱؛ دانشنامه اسلامی؛ تابناک).

## ۲-۴- تحصیلات و اساتید

آیت‌الله بهجت در طول تحصیل از محضر اساتید فراوانی بهره برد که برخی از آن‌ها تأثیرات چشمگیری بر روی شخصیت ایشان داشته‌اند. او در مکتب‌خانه ملا حسین کوکبی فومنی تلاوت قرآن را فراگرفت. سپس در حوزه علمیه فومن، در کنار تحصیل مقدمات علوم دینی، به کسب معرفت و اخلاق و تهذیب نفس نزد اساتیدی مانند آیت‌الله حاج شیخ احمد سعیدی (مجتهد) فومنی پرداخت. در ابتدای ورود به عراق در حوزه کربلا ادبیات عرب و بخشی از اصول و فقه را فراگرفت و در سال دوم در محضر آیت‌الله حاج شیخ جعفر حائری فومنی لباس روحانیت پوشید. پس از رفتن به حوزه نجف، به دروس متداول حوزوی یعنی فقه و اصول و همچنین فلسفه و در کنار آن‌ها، سیر و سلوک پرداخت. قسمت پایانی سطح را در محضر اساتیدی چون آیت‌الله حاج شیخ مرتضی طالقانی، آیت‌الله شیخ ابوالقاسم خویی، آیت‌الله سید هادی میلانی، آیت‌الله حاج سید ابوالقاسم خویی، آیت‌الله شیخ علی محمد بروجردی و آیت‌الله سید محمود شاهرودی تکمیل نمود. پس از این مرحله وارد تحصیل در مدارج عالی شد و بزرگ‌ترین اساتید وقت را برای این کار برگزید. در اصول نزد آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله میرزای نائینی و در فقه نزد آیت‌الله شیخ محمد کاظم شیرازی به تلمذ پرداخت و همچنین به محضر تدریس فقیه، حکیم و فیلسوف

نامدار آیت الله العظمی حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی (معروف به کمپانی) و آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی راه یافت. ایشان از مستشکلین در دروس بودند که اشکال‌های ایشان به نقل مرحوم علامه جعفری بسیار مورد توجه اساتید بود. در کنار دروس رایج (فقه و اصول)، به فلسفه و علوم عقلی نیز توجه داشت و کتاب‌های مهم فلسفی مانند اشارات، تنبیهات و اسفار را نزد آیت الله سید حسین بادکوبه‌ای فرا گرفت و در سن ۱۷ یا ۱۸ سالگی در سلک شاگردان اخلاقی آیت الله سید علی قاضی درآمد و از جانب ایشان ملقب به «فاضل گیلانی» گردید. از همه اساتید فوق‌الذکر بهره‌ها گرفت ولی چنین به نظر می‌رسد که در میان آن‌ها بیش از همه تحت تأثیر آیت الله غروی اصفهانی و آیت الله میرزا علی قاضی قرار گرفته باشد. او را از بهترین شاگردان آیت الله غروی اصفهانی که فقیهی گرانسنگ بود، دانسته‌اند که علاوه بر استفاده علمی، از فیوضات معنوی استاد نیز برخوردار شد. شاگردی عارف وارسته آیت الله قاضی نیز بر مراتب معنوی‌اش افزود تا جایی که در کنار تحصیل علم، در تهذیب نفس نیز اهتمامی بی‌نظیر داشت و گاهی همین اشتغال شدید به تحصیل و تهذیب او را به بستر بیماری می‌کشاند. پس از بازگشت به زادگاه خویش (چنانکه آمد) مجدداً می‌خواست به حوزه نجف بازگردد که با خبر وفات اساتیدش آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی (در ۱۳۶۵ ه.ق) و آیت الله قاضی (در ۱۳۶۶ ه.ق) در قم ماندگار گردید. در این شهر با وجود آن‌که خود مجتهدی مسلم بود و البته از باب تکریم و احترام، در دروس خارج آیت الله العظمی حجت کوه‌کمره‌ای و آیت الله العظمی بروجردی شرکت نمود و بدین ترتیب هم‌درس بزرگانی نظیر حضرت امام خمینی (ره) و آیت الله العظمی گلپایگانی شد. در دروس آیت الله العظمی بروجردی نیز از مستشکلان مطالب درسی بود که چون نمی‌خواست این امر باعث شود که مورد توجه قرار گیرد، از ایراد اشکال دست برداشت (بابایی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۴-۱۱؛ شیعه نیوز. ب).

## ۲-۵- فعالیت‌های علمی (تدریس، شاگردان و آثار):

همان‌گونه که ذکر شد ایشان از زمان تحصیل در نجف، به تدریس نیز پرداختند و از فعالیت‌های علمی اولیه ایشان همکاری با محدث کبیر مرحوم حاج شیخ عباس قمی در نگارش کتاب «سفینه البحار» بود، اما اشتغال عمده ایشان به تدریس پس از ورود و سکونت در قم بود که پس از یک سال، به تدریس سطوح عالی و خارج فقه و اصول پرداخت و این کار را ابتدا در حجره‌ها و سپس در منزل شخصی و بعدها در مسجد فاطمیه واقع در گذر خان ادامه داد که به مدت

۶۰ سال تا آخرین روزهای عمر ایشان، استمرار داشت (بابایی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۵-۱۳).

آیت الله بهجت در تدریس شیوه‌ای خاص داشت. آیت الله مسعودی خمینی یکی از برجسته‌ترین شاگردان ایشان در خصوص نحوه تدریس و سبک ایشان می‌گوید که با توجه به اینکه ایشان در بیان نظریات مختلف فقهی، طبق روال متداول و رایج به ذکر اسامی صاحبان آن اقوال نمی‌پرداختند؛ فلذا درس ایشان بسیار مشکل بود و شاگردان مجبور بودند خود از شب قبل به بررسی اقوال بپردازند و به همین دلیل شاگردان زیادی پای درس وی حاضر نمی‌شدند. از طرف دیگر در بیان مطالب شهادت خاصی داشتند از جمله آن که درباره نجس بودن کفار معتقد بودند که یهودیان و مسیحیان صاحب کتاب در صورت پابندی به دین و شریعت خود، نجس نیستند، در حالی که این نظر مخالف نظر مشهور فقها بود (جهان نیوز به نقل از: مسعودی خمینی، ۱۳۹۳).

برخی از مهم‌ترین شاگردان ایشان عبارت‌اند از محمد تقی مصباح یزدی، شهید مرتضی مطهری، عبدالله جوادی آملی، سید مهدی روحانی، محمد یزدی، احمد آذری قمی، عباس محفوظی گیلانی، علی پهلوانی تهرانی، مختار امینیان، حمید رسایی، محمود امجد، ابراهیم ملکی جتیی، علی اکبر مسعودی خمینی، محمد علی فیض گیلانی، محمد حسن احمدی فقیه یزدی، حسن لاهوتی، کاظم صدیقی، محمد مهدی ری شهری و روح اله حسینیان (دانشنامه اسلامی؛ ویکی شیعه).

آیت الله بهجت ضمن تلاش‌های بی وقفه علمی خود، تألیفاتی نیز داشتند که خود هیچ گونه تلاشی جهت انتشار آن‌ها نکرده و حتی از چاپ آن‌ها با استفاده از وجوهات شرعی، منع نمودند. با این وجود برخی از آثار چاپ شده ایشان که نشانگر ژرفای اندیشه‌های فقهی، اصولی و عرفانی وی است، عبارت‌اند از:

- مباحث الاصول (شامل یک دوره کامل اصول فقه) که جلد چهارم آن به چاپ رسیده

است؛

- حاشیه بر مکاسب شیخ مرتضی انصاری (یک دوره فقه تا پایان باب متاجر)؛

- مجموعه فقهی بهجه الفقیه (شامل کتاب‌های طهارت، صلاه، زکات، خمس و حج)؛

- رساله توضیح المسائل (عربی و فارسی)؛

- مناسک حج (حاشیه بر مباحث شیخ مرتضی انصاری)؛

- وسیله النجاه (حاوی برخی آرای فقهی ایشان در بعضی ابواب فقهی که در متن کتاب

وسيله النجاه آیت الله ابوالحسن اصفهانی آمده و اولین جلد آن به چاپ رسیده است)؛

- جامع المسائل ( دوره فقه فتوایی شامل آرای فقهی ایشان که بخشی از آن حاشیه بر کتاب ذخیره العباد مرحوم شیخ محمد حسین غروی اصفهانی است ) در ۵ جلد؛  
- سروده‌های اخلاقی و عرفانی ( بابایی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۷-۱۱؛ دانشنامه اسلامی ).

### ۳- اندیشه سیاسی آیت‌الله بهجت

در بحث از چهارچوب نظری بیان کردیم که منظومه سیاسی یک متفکر برآیند مجموعه اندیشه‌های سیاسی متخذ از آثار مکتوب او و هم‌چنین مواضع سیاسی منبعث از مبانی فکری اوست. در این راستا ما هم آرای سیاسی آیت‌الله بهجت و هم مواضع ایشان در موضوعات مختلف سیاسی را مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهیم داد.

در مورد موضوع اول می‌دانیم که عموم علمای شیعه علی‌القاعده مباحث مربوط به سیاست به طور عام و حکومت اسلامی و ولایت فقیه به طور خاص را ضمن ابواب فقهی جهاد و امر به معروف، بیع و مکاسب محرمة مطرح ساخته‌اند. در آثار چاپ شده از آیت‌الله بهجت چنین مباحثی به چشم نمی‌خورد. گفته شده که ایشان حاشیه‌ای بر مکاسب شیخ مرتضی انصاری ( و در تکمیل مباحث شیخ اعظم بر مباحثی از شرایع الاسلام که در مکاسب شیخ نیامده) نگاشته‌اند که اگر چه حاوی نظریات جدیدی است، ولی این کتاب هنوز به زیور طبع آراسته نشده و در دسترس همگان قرار ندارد (شیعه نیوز، الف و ویکی شیعه). از بحث خاص ایشان در مورد «ولایت فقیه» نیز چنان که می‌دانیم، چیزی باقی نمانده و در دسترس نیست؛ لذا باید یا از طریق نقل قول‌های مستقیم ولی پراکنده ایشان و یا با واسطه و از طریق نقل قول‌های نزدیکان و شاگردان به دیدگاه‌های ایشان دست یافت. در بحث دوم نیز برای پر کردن خلأ موجود از همین روش در کنار گزارش‌های موجود استفاده شده است.

### ۴ - ۱- حکومت اسلامی و ولایت فقیه در اندیشه سیاسی آیت‌الله بهجت

رسم بر آن است که اندیشه‌های سیاسی هر فرد را از میان آثار مکتوب وی جستجو می‌کنند. البته آثار نزدیکان و شاگردان و محققان نیز در این خصوص حائز اهمیت می‌باشد. در مورد آیت‌الله بهجت با توجه به عدم ثبت کلیه مباحث درسی ایشان، باید از راهکار دوم استفاده کرد. البته به نظر می‌رسد که ایشان بحث خاصی در رابطه با «ولایت فقیه» را در نجف مطرح کرده باشند، کما



اينكه خود در جواب سؤال يكي از شاگردان در اين خصوص، به صراحت پاسخ دادند كه « من در نجف بحث ولايت فقيه را مطرح كرده‌ام و آنجا مفصل بحث كرده‌ام » ( مسعودى خمينى، ۱۳۸۱: ۱۰۷)؛ كه البته اين مباحث ايشان باقى نمانده است. همچنين ايشان مباحث مبسوطى نيز در خصوص ضرورت حكومت داشته‌اند ( قدس، ۱۳۸۱: ۱۶۸-۱۶۶)، كه به آن نيز خواهيم پرداخت.

آيت الله بهجت را « محصول دو مكتب اصولى و عرفانى حوزه علميه نجف در سال‌هاى پايانى مشروطيت » دانسته‌اند كه « تعقل، عرفان و توجه به امور سياسى از خصايص بارز آن به حساب مى‌آيند ». بازتاب تحولات نهضت مشروطه در حوزه نجف به علاوه دريافت‌هاى او از نظر موافقان و مخالفان مشروطه ( كه در دروسش مدام متذكر آن مى‌گرديد ) نيز مورد توجه ويژه وى قرار گرفت؛ البته او برخلاف استادش ميرزاى نائينى و همچون سيد كاظم يزدي با مشروطه مخالف بود ( فراتى، ۱۳۸۸). از نظر ايشان « وقتى مرحوم شيخ فضل‌الله نورى فهميد كه تأييد مشروطه صحيح نيست - چون ديد از طرف سفارت انگليس تأييد و پشتيبانى مى‌شود و كسان ديگرى غير از علما و متدبين و به تعبير ايشان پاچه ورماليدها، از مشروطه حمايت مى‌كنند و ديد كه اين دو طائفه روحانى و غيرروحانى در صف مشروطه‌خواهى نمى‌شود با هم جمع شوند. و در يك صراط و در يك خط و يك راه و به منظور يك هدف حركت نمى‌كنند - از مشروطه خواهى دست كشيد و فرمود: مشروطه، بايد مشروعه باشد. مشروطه‌خواهان با شايعه پراكنى وانمود كردند كه ايشان موافق مشروطه است، ولى استبدادى‌ها با رشوه او را خريده‌اند. چگونه ممكن و متصور است كه انسان به خاطر رشوه، حاضر شود به دار آويخته شود؟! سرانجام، مرحوم شيخ فضل‌الله نورى را با آن عظمتش در علم و عمل، به دار آويختند و كشتند، زيرا مى‌ترسيدند قيام مشروطه‌خواهى را به عقب بياندازد و يا حداقل در ديگران شك و ترديد ايجاد كند. مرحوم آقا سيد عبدالله بهبهانى را هم كه در رأس مشروطه‌خواهان قرار داشت، بدتر از ايشان كشتند. آرى، آنها نوكرهاى مطيع مى‌خواستند، نه آقا بالاسر و مُطاع » ( رخشاد، ۱۳۹۵: ۲، ۳۷۲). باز خود ايشان در اين رابطه فرمودند كه « مرحوم شيخ فضل‌الله نورى كه از مخالفين مشروطه بود، از پيش خبر مى‌داد كه كشف حجاب از لوازم مشروطه است. آن مرحوم مى‌ديد كه مقررات مشروطه به ظاهر اسلامى است، ولى از مصادر لائىالى و بلكه بى‌دين ( سفارت انگليس ) سرچشمه مى‌گيرد و تأييد مى‌شود. لذا به مشروطه‌خواهان گفته بود: مرا مى‌كشند، شما را هم مى‌كشند. در نهايت نيز چنين شد، آقا سيد عبدالله بهبهانى رحمه‌الله را كه طرفدار مشروطه بود، بدتر از مرحوم آقا شيخ فضل‌الله نورى از بين بردند و تير باران كردند! » ( رخشاد،

۱۳۹۵: ۲، ۱۸۹). از نظر یکی از محققان علیرغم این مواضع هیچ‌گاه سیاست در کانون تأملات ایشان قرار نگرفت. به عبارت دیگر او نیز همانند بسیاری از نظریه‌پردازان سستی که عمدتاً متأثر از لطامات وارده بر روحانیت در سال‌های پس از مشروطه، به سیاست بدبین بودند، در کرانه به سیاست می‌نگریست و برخلاف استاد، مشروطه را دفع افسد به فاسد (و نه مصداق حکومت اسلامی) می‌انگاشت و شاید به همین دلیل «در نجف در محفل کوچک درسی خود به تفصیل از ولایت سیاسی فقیهان سخن گفت و بعدها آن را تنها حکومتی دانست که می‌توانست متصف به وصف اسلامی در عصر غیبت شود». آیت الله بهجت قائل به عدم تعطیلی حکومت در دوران غیبت حضرت ولی عصر (عج) بودند و لذا قیام به آن را در صورت توان و «به دور از مصلحت اندیشی‌هایی که احیاناً منجر به تعطیلی احکام می‌گردد»، واجب می‌شمرند؛ چرا که به دلایل عقلی و نقلی باید دین اسلام تا قیام قیامت پا برجا باشد و طبق نص صریح قرآن کریم هیچ دینی غیر از اسلام پذیرفته نمی‌گردد (آل عمران / ۸۵)؛ پس ایجاد حکومت با رعایت شرع و مطابقت کامل قوانین وضعی با شریعت محمدی (ص) امری است که باید به آن قیام نمود (فراستی، ۱۳۸۸). از برخی عبارات ایشان نیز به طور ضمنی می‌توان به ضرورت حکومت اسلامی رسید مثلاً در آنجا که میفرمایند که «اگر دو گروه در برابر هم قرار گرفته و با یکدیگر در حال جنگ باشند و یک فرد از این دو گروه راه پیدا می‌کرد و رئیس گروه دیگر را می‌ربود، گروه بی‌رئیس یکی از دو راه را دارند: یا باید تسلیم شوند و یا بدون رهبر با دشمن مخالف بجنگند. حال ما مسلمانان با کفار تقریباً همین طور است. مسلمانان زعیمی ندارند که در زیر لوا و پرچم او قرار گیرند؛ زیرا سنی‌ها که اصلاً قائل به زعیم و امام نیستند و شیعه هرچند اعتقاد به امام علیه‌السلام دارد، ولی در عمل و وضعیات مانند سنی‌ها هستند و با آنها فرقی ندارند! بنا بر این، آیا حال، که همه مسلمانان - چه شیعه و چه سنی - اعتقاداً و یا عملاً زعیم ندارند، نباید در کنار هم بنشینند و چاره‌اندیشی کنند؟! آیا نباید محافظت و مواظبت کنیم؟! آیا نباید بنشینیم و راه محافظه را پیدا کنیم که چگونه از دست دشمن در امان باشیم تا دین و دنیا و مذهب ما محفوظ بماند؟ از جمله راه‌های محافظت و مواظبت این است که اولاً، فریب کفار را نخوریم، ثانیاً، آنچه را که به ما هدیه (!) می‌دهند تا مجذوب آنها شویم و از این راه بر ما مسلمانان و منافع ما مسلط شوند و بر ما ظلم و ستم کنند، قبول نکنیم. اقرب طوایف به حق و واقعیت از میان ادیان آسمانی، مسلمانان هستند و احقّ از همه فرقه‌های مختلف مسلمانان، طایفه شیعه است که مخذول و ذلیل و اِماء و عبید کفار می‌باشند!» (رخشاد، ۱۳۹۵: ۱، ۸۸).

مطالب و اشارات دیگری که در صحبت‌های ایشان مارا به طور غیرمستقیم به ضرورت حکومت اسلامی می‌رساند دیدگاهها و نقطه نظرات البته پراکنده ایشان در نقد و نفی استعمار و استعمار منابع کشورهای مسلمان و نفی سلطه کفار بر مسلمین است. در این رابطه ایشان بر منع دوستی و توافق با کفار و تلاش آنها برای استعباد مسلمین (مرکز تنظیم و نشر آثار آیت الله العظمی بهجت: سخنرانی ۱۳۷۱/۸/۲۱ و سخنرانی ۱۳۸۷/۸/۲۱ رخشاده، ۱۳۹۵: ۱، ۳۲)، نقد سلطه طلبی و برتری جویی غرب در پوشش بشر دوستی و علم پرستی (همان، ۱۳۹۵: ۲، ۳۲-۳۳)، نقد ماجرای کشف حجاب و لباس واحد در همین راستا (پیشین، ۱۳۹۵: ۱، ۶۰ و همان: ۲، ۸۳)، تقابل استعمار با دین برای تسلط بر ثروت مسلمین (پیشین، ۱۳۹۵: ۱، ۸۴)، تلاش استعمار برای سلطه بر مسلمانان با تاکید بر نقش آمریکا و انگلیس در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و ایجاد تفرقه میان شیعه و سنی برای فروش بیشتر تسلیحات خود (پیشین، ۱۳۹۵: ۳، ۲۰۸ و همان: ۳، ۱۴۵)، تلاش برای جدا کردن مردم از روحانیت و نفوذ در جامعه روحانیت (پیشین، ۱۳۹۵: ۱، ۱۴۷)، تاکید استعمار انگلیس بر عدم مداخله علمای مسلمان در سیاست (پیشین، ۱۳۹۵: ۲، ۵۹) و نقش استعمار پیر انگلیس در کشتن آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی در انتقام فتوای ایشان مبنی بر عدم پذیرش تسلط کفار بر مسلمانان (پیشین، ۱۳۹۵: ۲، ۳۸۲) تاکید دارند.

البته از آیت الله بهجت اشارات کوتاهی نیز ذکر شده که به طور مستقیم به موضوع مورد بحث مرتبط هستند. ایشان در باب «خراج و مقاسمه» از «مکاسب محرمه» در خصوص این موضوع که «آیا ولایت فقیه جامع شرایط، ولایت مطلقه است یا ولایت او محدود و به بعضی از ابواب فقه مقید می‌باشد؟» پاسخ می‌دهند و متذکر می‌شوند که اسلام به عنوان آخرین دین حاوی آخرین احکام و قوانین شرعی است که از جانب خداوند وضع گردیده و با توجه به ختم نبوت و نزول وحی، باید قرآن کریم «تا قیام قیامت کتاب قانون بوده و اهل بیت پیامبر اکرم (ع) مبین آن باشند» و امت پیامبر (ص) نیز در هر حالت، ولو با تحمل مشکلات فراوان در زمان حضور حجت، موظف به تحصیل وظایف خود هستند و در زمان غیبت نیز سه حالت کلی برای مسئله قابل فرض می‌باشد:

حالت اول: کتاب خدا و احکام و قوانین شرع [بر زمین مانده و] تعطیل گردد؛

حالت دوم: خودش وسیله ابقای خودش باشد یعنی خود به خود [باقی] بماند؛

حالت سوم: [برای بقای آن] نیاز به سرپرست و حاکم و مبین (یعنی همان ولی امر و

مجتهد جامع الشرایط) باشد.

به نظر ایشان صورت اول عقلاً و نقلاً باطل است و با خاتمیت دین اسلام که باید تا پایان جهان راهنمای امت باشد سازگار نیست. فرض دوم نیز باطل می‌باشد چرا که قانون به خودی خود قابل اجرا نیست و برای اجرای آن نیاز به شخص یا اشخاصی به عنوان مجری آن داریم. ناچار هیچ راهی جز فرض سوم باقی نمی‌ماند و چاره‌ای جز این نداریم که به آن قائل بشویم و بگوییم که «جامعه مسلمین را باید ولی امر با همه شئونات و ابعاد آن اداره کند». از طرف دیگر جامعه به تشکیلاتی نظیر ارتش، آموزش و پرورش، دادگستری و ... برای اداره امور خود نیاز دارد؛ فلذا «باید دست ولی فقیه در همه شئونات مادی و معنوی، مبین و شارح و رهنما و حلال مشکلات باشد» و نتیجه آن می‌شود که «ولی فقیه باید تمام شئونات امام معصوم (ع) به استثنای امامت و آن چه را که مخصوص امام معصوم (ع) است، داشته باشد تا بتواند اسلام را در جامعه پیاده کند و گر نه در صورت عدم وجود تشکیلات حکومتی دشمنان نخواهند گذاشت که حکومت و آئین اسلامی پیاده شود». علاوه بر دلیل فوق الذکر از راه برهان خلف نیز می‌توان به ضرورت حکومت رسید، بدین صورت که می‌دانیم «هیچ جامعه و کشوری با هرج و مرج پایدار نمی‌ماند و باید قانون و حاکم و حکومتی در آن حکم‌فرما باشد». اگر حکومت در دست طاغوت باشد اثری از اسلام نمی‌ماند در صورتی که به دلیل عقلی و نقلی باید دین اسلام تا قیام قیامت باقی بماند و طبق نص قرآن کریم (آل عمران / ۸۵) از هیچ کس دینی غیر از اسلام پذیرفته نیست. ایشان پس از بیان مسائل فوق الذکر در باب ولایت فقیه به محدوده اختیارات ولی فقیه می‌پردازند (قدس، ۱۳۸۱: ۱۶۸ - ۱۶۶).

پس می‌بینیم که نگاه آیت الله بهجت به ولایت فقیه بیرون از نگاه معمول و اجتماعی فقیهان شیعه نیست که در میان آن‌ها کسی را نمی‌توان یافت که قائل به آن نباشد تا آن حد که در این خصوص حتی ادعای اجماع نیز شده است (برجی، ۱۳۸۵؛ حیدری، ۱۳۸۸). شاید با لحاظ همین واقعیت باشد که برخی از محققان بر این باورند که «اندیشه سیاسی فعال‌ترین حوزه از حیات فکری مسلمانان در دو قرن اخیر بوده است» و عوامل زیر را در این رابطه حائز اهمیت دانسته‌اند:

۱- جوهره اسلام «به عنوان یک برنامه جامع برای تنظیم زندگی انسانی» و استفاده از سیاست به عنوان یک ابزار لازم برای تحقق این برنامه؛

۲- ماهیت عموم ارکان دین اسلام (نظیر نماز و روزه و زکات و حج و بیشتر از آن‌ها جهاد) که «مناسب با اعتلای روحیه همکاری و انسجام گروهی در میان پیروان آن است»؛

۳- پیگیری وسایلی برای جامه عمل پوشاندن به نیازهای جسمی و روحی انسان‌ها بر مبنای طبیعت انسانی که قدرت به عنوان جان و جوهر سیاست، « یک وسیله اساسی برای نیل به این هدف » محسوب می‌شود؛

۴- لزوم ایجاد حکومت اسلامی برای « اجرای تعدادی از وظایف جمعی یا امور واجب کفایی مسلمانان که مهمتر از همه امر به معروف و نهی از منکر است » و « دفاع از دارالاسلام »؛

۵- حساسیت مسلمانان نسبت به این سوال‌های اساسی در سیاست که « کی باید حکومت کند و چرا ما باید از حکام تبعیت کنیم » ( عنایت، ۱۳۶۵: ۱۶-۱۸).

آیت‌الله جوادی آملی در این رابطه معتقد است که « ما فقیهی نداریم که به صورت مطلق، ولایت را برای فقیه قبول نداشته باشد. فقیهانی که می‌گویند فقیه ولایت ندارد، مقصودشان آن است که ابتداءً این سمت برای فقیه جعل نشده که او اقدام به تشکیل حکومت کند، ولی همین فقیهان، ولایت فقیه را از باب حسبه قبول دارند. اگر مردمی برای اجرای قوانین و دستورهای خداوند آماده باشند، زمینه آماده است و حکومت اسلامی در چنین فرضی، از مصالح مهم الهی است که بر زمین مانده و مطلوب شارع است. در این فرض کسی نگفته است که فقیه مسئولیت ندارد و لازم نیست احکام الهی با وجود شرایط مساعد اجرا بشود » ( جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۴۰۶).

علما و بزرگان به طور مفصل در مورد ضرورت حکومت اسلامی در عصر غیبت امام زمان (عج) و هم چنین ولایت فقها و حوزه صلاحیت و اختیارات آنان بحث نموده‌اند. بررسی تطبیقی نظریات فقها در این باب نیز تا حدود زیادی مؤید مطلوب فوق‌الذکر است (به عنوان نمونه ن.ک. به: امام خمینی، بی‌تا. جوادی آملی، ۱۳۷۸، معرفت، ۱۳۸۹. صافی گلپایگانی، ۱۳۷۶). از نظر یکی از محققان بر این مبنا حکومت فقیه جامع شرایط که حاکم بر شهوت و غضب خویش است، مورد حمایت آیت‌الله بهجت بوده و ایشان حضرت امام خمینی (ره) را مصداق چنین فقیهی می‌دانست و از همین دیدگاه‌های ایشان می‌توان به اندیشه « ولایت انتصابی فقیه » رسید؛ اگر چه به نظر ایشان در مجموع مصادیق « مجتهد صالح الحکومه و نافذ الحکم » کم است. علیرغم این دیدگاه‌ها، ایشان « وارد گفتگوهای معمول روحانیان در باب ماهیت مردمی یا الهی حکومت اسلامی نمی‌شود » و رویه‌های دمکراتیک در جمهوری اسلامی را حمل بر قضایای خارجی نمود و حمایت و شرکت مردم در انتخابات را « نه امری واجب بلکه امری اختیاری می‌داند که به خود آن‌ها واگذار شده است ». این محقق با بیان مطالب مذکور و اضافه کردن این مطلب که در نگاه ایشان حکومت با زور،

قدرت و غلبه قابل دستیابی نیست و با ظلم پایدار نمی ماند، چنین نظراتی را نشانه نگاه ایجابی ایشان به امر حکومت دانسته است (فراتی، ۱۳۸۸).

#### ۴-۲- اهم مواضع سیاسی آیت الله بهجت

اولین گام برای بررسی دقیق دیدگاه‌های سیاسی اشخاص، بررسی مبانی فکری آنان در نگاه به مسایل سیاسی و اجتماعی است. در خصوص آیت الله بهجت توجه به این مهم نشانگر آن است که با توجه به مبانی اندیشه ایشان احتمال بی تفاوتی در مسایل سیاسی و اجتماعی از آن نمی رود. آیت الله بهجت معتقدند که «انسان هر راهی را بدون تقید و پای بندی به قرآن و سنت برود، روز به روز تنزل می کند و تاریخ، از جمله قضایای سقیفه و پیامدهای آن مانند واقعه طف (کربلا)، هر روز تکرار می شود؛ زیرا هر روز حقی غضب و یا احقاق می شود و همیشه حق و باطل مثل حسین و یزید وجود دارد و کار مردم هم یا جنگ در کنار یزید یا در رکاب امام حسین علیه السلام است. بنا براین، انسان باید هر روز موضع خود را مشخص کند که آیا اهل حق است و یا باطل و پیرو آن» (مرکز تنظیم و نشر آثار آیت الله بهجت، بی تا: ص ۱۶۱). در گام دوم توجه به مواضع و عملکردهای سیاسی آنها نیز لازم و ضروری می باشد. این امر در خصوص افرادی که دیدگاه‌های سیاسی آنها مستقیم ثبت و ضبط نشده است، حائز اهمیت بیشتری می باشد. به نظر فرزند ایشان آیت الله بهجت به لحاظ سیاسی دارای مواضع اساسی بود (فارس نیوز) و به نظر آیت الله مصباح یزدی ایشان دارای توجه و تیزبینی خاصی در مسائل سیاسی بودند و حتی شاگردان خود را تشویق به دخالت در سیاست می کردند (مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ۵۳-۵۲)؛ کما اینکه برخی از شاگردان ایشان از فعالان سیاسی قبل و بعد پیروزی انقلاب بودند. در این راستا برخی از مهم ترین مواضع سیاسی ایشان از سالهای آغازین انقلاب تا پایان حیات شریفشان به شرح زیر هستند:

- انتقاد به مواضع حکومت پهلوی به واسطه در پیشگیری سیاست های ضد دینی این رژیم از اوایل دهه چهل شمسی (فراتی، ۱۳۸۸)؛

- تاکید بر ضبط وقایع سال ۴۲ و ماجرای حمله رژیم پهلوی به مدرسه فیضیه (مصباح یزدی، مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی بهجت)؛

- تائید مبارزه امام خمینی (ره) با رژیم طاغوت در زمان پهلوی (مسعودی خمینی، ۱۳۸۱:

۱۰۶-۱۰۵)؛

- واکنش بسیار شدید به تبعید امام خمینی (ره) به خارج تا حد تشویق به قتل سران حکومت پهلوی (فراتی، ۱۳۸۸)؛

- تشویق شاگردان خویش به مبارزه با رژیم شاه (فقهی، ۱۳۸۱: ۱۲۴)؛ همچنان که حضور پر رنگ برخی از شاگردان ایشان در جریان مبارزه سیاسی در سالهای پیش از انقلاب قابل ملاحظه است؛

- رابطه ویژه با امام خمینی (ره) قبل و بعد از انقلاب و توجه خاص امام به ایشان (مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ۵۳-۵۴؛ مسعودی خمینی، ۱۳۸۱: ۱۰۷-۱۰۶ و همو در سایت مرکز تنظیم و نشر آثار آیت الله العظمی بهجت؛ سیاسی. پرسیمانی)؛

- تشویق مردم به حضور در جبهه‌های نبرد حق بر علیه باطل (هادوی تهرانی، ۱۳۸۱: ۲۲۱)؛

- تشویق مردم به حضور در انتخابات و بیان شرایط و ویژگی‌های انتخاب شوندگان برای خودشان و انتخاب کنندگان (ساعی، ۱۳۹۵: ۱۳۹. سیاسی. پرسیمانی)؛

- اهتمام به مسائل جهان اسلام از جمله وقایع فلسطین و حمله اسرائیل به غزه (سیاسی. پرسیمانی)؛

- مخالفت با دو دستگی و دعوت به وحدت در مقابل دشمنان خارجی (فارس نیوز به نقل از علی بهجت، ۱۳۹۱)؛

- رابطه ویژه با مقام معظم رهبری و دیدارهای مداوم و خصوصی با ایشان (جهان نیوز) و علاقه وافر دو طرفه میان آنها (تابناک به نقل از صدیقی، ۱۳۸۹).

البته آیت الله بهجت هیچ‌گاه مسائل سیاسی خود را رسانه‌ای نمی‌کرد (فارس نیوز) و چنان که گفته‌اند ممشای کلی ایشان اعراض از «تظاهرات و اجتماعات» بود (شریف رازی، ۱۳۵۲: ۶، ۱۱۷). از نظر آیت الله مسعودی خمینی ایشان روش خاصی در مواضع سیاسی داشتند که مثل روش حضرت امام خمینی (ره) روش مبارزه مستقیم و فریاد و مبارزه با ظالم نبود ولی به‌گونه‌ای بود که غیرمستقیم پایه‌های ظلم را سست می‌کرد. از طرف دیگر شاید علت اتخاذ این روش از سوی ایشان بدین جهت بود که به نظرشان باید فقط یک نفر (یعنی حضرت امام (ره)) محور و معیار مبارزه قرار می‌گرفت و بقیه حول محور ایشان به فعالیت می‌پرداختند. با این وجود ایشان در مسائل سیاسی هر چند فریاد نمی‌زدند ولی دخالت داشتند و تأیید قیام امام و موضع‌گیری بر علیه کاپیتولاسیون و

همچنین دستور قربانی کردن گوسفند برای امام در چند نوبت و دیدارهای گاه به گاه و خصوصی با مقام معظم رهبری را مؤید این امر دانسته‌اند (جهان نیوز به نقل از مسعودی خمینی، ۱۳۹۳).

### نتیجه‌گیری:

بررسی مجموعه آرای نظری و مواضع سیاسی آیت الله العظمی بهجت به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین فقهای معاصر شیعه و با توجه به این که شبهه عدم دخالت ایشان در حوزه سیاست، یا حتی عدم داشتن مواضع صریح سیاسی توسط ایشان مطرح می‌باشد، حائز اهمیت فراوانی است. پیوند میان مواضع سیاسی ایشان با دیدگاه‌های تئوریکشان، علیرغم نگاه جداگانه به این دو، در اینجا ثمربخش می‌گردد و نتیجه قابل قبولی به دست می‌دهد. نکته اساسی این است که تلاش ایشان در عدم رسانه‌ای شدن مواضع یا آرای سیاسی خود، با وجود ایجاد مشکلاتی در این موضوع، محدود به حوزه سیاست نمی‌گردد؛ بنابراین شبهه عدم دخالت در سیاست و یا عدم داشتن مواضع سیاسی با بهره‌گیری از این استدلال مردود می‌باشد چراکه:

الف - در سایر موارد نظیر ثبت آرای فقهی، قبول مرجعیت و حتی انتشار رساله عملیه نیز ممشای ایشان بر همین روال بوده است؛

ب - از طرف دیگر بررسی موارد دخالت ایشان در امور سیاسی که ثبت و ضبط گردیده نیز قابل تأمل است. در خصوص بررسی آرای نظری فقها نیز می‌دانیم که این بررسی‌ها عموماً از طریق ثبت تقریرات آن‌ها توسط شاگردانشان صورت می‌گیرد که امر بسیار رایجی است و در موضوع مورد بحث به واسطه عدم ثبت دقیق تقریرات، نقل به مضامینی که کافی و وافی به مقصود باشند، نظیر « ضرورت حکومت اسلامی، عدم اختصاص اجرای احکام شریعت به زمان کوتاه حضور امام معصوم (ع) و عدم تعطیل برداری آن در زمان وسیع غیبت »، ما را به مطلوب می‌رساند و این در حالی است که مباحث مستقل ایشان در خصوص ولایت فقیه (که طبق تأکید خودشان در عراق طرح شده بود) به هیچ وجه ثبت نشده است.

بنا بر این در مجموع با این بررسی مشخص می‌گردد که منظومه فکری آیت الله العظمی بهجت در حوزه سیاست، خارج از چهارچوب دیدگاه‌های رایج در میان دیگر فقهای شیعه نیست و ایشان در همان قالب رایج بر لزوم حکومت اسلامی و ولایت فقیه در زمان غیبت تأکید دارند؛ هر چند که تعیین موقعیت ایشان در محل نزاع یعنی « حدود اختیارات ولی فقیه در زمان غیبت » با



اطلاعات موجود مشکل و حتی غیرممکن به نظر می‌رسد.

### کتابنامه

قرآن کریم.

آقابخشی، علی و مینو افشاری راد. (۱۳۷۵). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، چاپ دوم.

امام خمینی. سید روح الله. ولایت فقیه (حکومت اسلامی). تهران: کاوه.

بهجت، محمد تقی. (۱۳۷۱/۰۸/۲۱). "بیانات درس جهاد." مرکز تنظیم و نشر آثار آیت الله العظمی بهجت. در سایت: *Bahjat.ir* (قابل دسترسی: ۱۴۰۱/۵/۱۴).

بهجت، محمد تقی. (۱۳۸۷/۰۸/۲۱). "درس خارج فقه." مرکز تنظیم و نشر آثار آیت الله العظمی بهجت. در سایت: *Bahjat.ir* (قابل دسترسی: ۱۴۰۱/۵/۱۴).

بابائی، رضا؛ ربانی، محسن؛ ابراهیمی، علی. (۱۳۸۹). *دردانه*، شفق، چاپ اول.

باقی‌زاده گیلانی. رضا. (۱۳۷۹). *بهجت عارفان در حدیث دیگران*. قم: زائر، چاپ سوم.

برجی، یعقوب. (۱۳۸۵). *ولایت فقیه در اندیشه فقیهان*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب

علوم انسانی دانشگاهها (سمت) با همکاری دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸). *ولایت، قهاهت و عدالت*. قم: نشر اسراء.

حیدری، محسن. (۱۳۸۸). *پیشینه‌ها و مبانی ولایت فقیه نزد علمای شیعه*. قم: دفتر انتشارات

اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم.

رخشاد. محمد حسین. (۱۳۹۵). *در محضر حضرت آیت الله العظمی بهجت*. سماء، چاپ نوزدهم.

ساعی. سید مهدی. (۱۳۹۵). *به سوی محبوب: دستورالعمل‌ها و رهنمودهایی از آیت الله العظمی بهجت*. شفق.

شریف رازی، محمد. (۱۳۵۲). *گنجینه دانشمندان*. تهران: کتابفروشی اسلامیة.

عنایت، حمید. (۱۳۶۵). *اندیشه سیاسی در اسلام معاصر*. (بهاء الدین خرمشاهی). تهران:

شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ دوم.

قادری، حاتم. (۱۳۸۶). *اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ هشتم.

آیت‌الله بهجت. (۱۳۹۵). *رحمت واسعة*. قم: موسسه فرهنگی و هنری البهجه، چاپ هفتم.  
 معرفت، محمد هادی. (۱۳۸۹). *ولایت فقیه*. قم: موسسه فرهنگی و انتشاراتی البعث، چاپ چهارم.

تابناک. (۱۳۸۹/۲/۳۰). "خاطرات خواندنی صدیقی از آیت‌الله بهجت". *Tabnak.ir*

تابناک. (۱۴۰۱/۳/۱۴). "آیت‌الله بهجت". *Tabnak.ir*

جهان نیوز. (قابل دسترسی: ۱۳۹۳/۱۰/۲۴). "ماجرای قربانی کردن آیت‌الله بهجت برای امام

خمینی (ره)". مصاحبه با آیت‌الله مسعودی خمینی در سایت: *Jahannews.com*

دانشنامه اسلامی. (قابل دسترسی: ۱۴۰۱/۵/۱۴). "محمد تقی بهجت فومنی".

*Wiki.ahlolbait.com*

پرسمان سیاسی. "نظر فقها به طور عام در مورد ولایت فقیه بعد از غیبت و بررسی دیدگاه

آیت‌الله خوبی و بهجت به طور خاص". *siasi.porsemani.ir*

شیعه نیوز (الف)، "آثار و تألیفات مرحوم آیت‌الله العظمی بهجت" *shianews.com* (قابل

دسترسی: ۱۴۰۱/۳/۱۷).

شیعه نیوز (ب). "مصاحبه با آیت‌الله شیخ عباس محفوظی رئیس دفتر آیت‌الله العظمی

بهجت". *shianews.com*

صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۷۶). "ضرورت حکومت یا ولایت فقها در عصر غیبت".

(سید حسن اسلامی اردکانی). *حکومت اسلامی*. قم: دبیرخانه شورای نگهبان، سال دوم،

شماره دوم، صص ۸-۱۸.

فارس نیوز. (قابل دسترسی: ۱۳۹۱/۲/۲۸). "مواضع سیاسی و وصیت آیت‌الله بهجت".

مصاحبه با حجه الاسلام علی بهجت در سایت: *farsnews.com*

فراتی، عبدالوهاب. (۱۳۸۸). "آیت‌الله بهجت و جریان زندگی سیاسی در عصر غیبت".

فصلنامه علوم سیاسی. *دانشگاه باقر العلوم (ع)*، سال دوازدهم. شماره چهل و پنجم، صص ۹-

۲۷.

- فقهی، محمدهادی. (۱۳۸۱). "بهجت عارفان، در حدیث دیگران." تنظیم: رضا باقی‌زاده گیلانی، زائر، چاپ سوم، صص ۱۱۱ - ۱۲۸.
- قدس، هادی. (۱۳۸۱). "بهجت عارفان، در حدیث دیگران." تنظیم: رضا باقی‌زاده گیلانی، زائر، چاپ سوم، صص ۱۵۷ - ۱۸۸.
- مسعودی خمینی، علی اکبر. (۱۴۰۱/۰۵/۱۴). مرکز تنظیم و نشر آثار آیت‌الله العظمی بهجت. در سایت: *Bahjat.ir* (قابل دسترسی: ۱۴۰۱/۵/۱۴).
- مصباح یزدی، محمدتقی. "مصاحبه با آیت‌الله محمد تقی مصباح یزدی." مرکز تنظیم و نشر آثار آیت‌الله العظمی بهجت. در سایت: *Bahjat.ir* (قابل دسترسی: ۱۴۰۱/۵/۱۴).
- مسعودی خمینی، علی اکبر. (۱۳۸۱). بهجت عارفان، در حدیث دیگران. (تنظیم: رضا باقی‌زاده گیلانی). زائر، چاپ سوم، صص ۹۷ - ۱۱۰.
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۱). "بهجت عارفان، در حدیث دیگران." (تنظیم: رضا باقی‌زاده گیلانی). زائر، چاپ سوم، صص ۳۹ - ۷۲.
- ویکی شیعه. "محمد تقی بهجت." *Wikishia.net* (قابل دسترسی: ۱۴۰۱/۳/۱۴).
- هادوی تهرانی، مهدی. (۱۳۸۱). "بهجت عارفان، در حدیث دیگران." (تنظیم: رضا باقی‌زاده گیلانی). زائر، چاپ سوم، صص ۲۱۳ - ۲۲۲.